



**آوا کوچولو پرکشید**  
 آوا، دختر بیچه چهار ساله‌ای که فیلم شکنجه او به دست نامادری اش در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود به دلیل شدت جراحت در بیمارستان درگذشت

یک هفته قبل بود که انتشار فیلمی در شبکه‌های اجتماعی خشم کاربران را به همراه داشت. براساس فیلم منتشر شده، زنی جوان دختر بیچه خردسال را کتک می‌زند و او را از راه پله‌ها به پایین پرتاب می‌کند. بعد از آن او برای درمان به بیمارستان مطهری ارومیه منتقل می‌شود، اما به دلیل شدت ضرباتی که به جسم بیحقیقت وارد شده بود به کما می‌رود. بررسی‌ها در این باره نشان داد پدر و مادر آوا ۱۵ سال قبل با هم ازدواج کردند و تا هفت سال بعد از ازدواج صاحب فرزند نشدند، اما پس از آن صاحب دختری به نام آراز می‌شوند که حالا هشت ساله و آوا هم چهار ساله است. والدین آوا زندگی خوبی داشتند تا اینکه به خاطر اختلاف‌هایی که پیدا کردند از هم جدا شدند. مادر آوا با مرد دیگری ازدواج کرد و به‌جمله‌ها از پدرش گذشت و به دنبال زندگی خودش رفت.

پدر آوا هم که مردی ۳۸ ساله و کارگزار است با یکی از بستگانش ازدواج کرد. شوهر این زن فوت شده و خودش هم دو فرزند دارد که پدر بزرگ پدری بیچه‌ها، سرپرستی‌شان را به عهده گرفته بود. نزدیکان پدر آوا گفته‌اند همسر تازه او بیچه‌ها را در یکی از اتاق‌ها حبس کرده و در نبود پدرش آنها را شکنجه داده است و از آنجا که در خانه‌شان دوربین مداربسته نصب شده بود زمانی که کسی می‌خواست به خانه‌شان برود، آنها را شکار می‌کرد. هم‌زمان با وقوع حادثه، نامادری سنگدل بازداشت شد. پدر آوا هم گفته که خبر نداشته همسر دوشم بیچه‌ها را در بیمارستان دیده است. او گفت آوا را به بیمارستان برده‌اند. پدر آوا هم گفته که خبر نداشته همسر دوشم بیچه‌ها را در بیمارستان دیده است. او گفت آوا را به بیمارستان برده‌اند. پدر آوا هم گفته که خبر نداشته همسر دوشم بیچه‌ها را در بیمارستان دیده است. او گفت آوا را به بیمارستان برده‌اند. پدر آوا هم گفته که خبر نداشته همسر دوشم بیچه‌ها را در بیمارستان دیده است. او گفت آوا را به بیمارستان برده‌اند.

**مرگ مرد سالخورده در انفجار گاز**  
 انفجار گاز در ساختمان مسکونی در شهرستان مشهد به قیمت جان مرد صاحبخانه تمام شد. سرهنگ احمد نگهبان، فرمانده انتظامی مشهد گفت: روز گذشته مأموران پلیس و امدادگران از حادثه انفجار در بلوار صیاد شیرازی با خبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد یک واحد آپارتمان مسکونی در جریان نشست گاز از بخاری گازی منفرج و مرد ۶۶ ساله دچار جراحات و به بیمارستان منتقل شده است هر چند تلاش‌های تیم درمان برای نجات جان وی در جریان بود، خبر رسید که وی به دلیل شدت جراحت فوت شده‌است.



**نجات از مرگ در یک قدمی چوبه دار**  
 اعضای خانواده‌ای که پسرشان دو سال قبل در جریان درگیری به قتل رسیده بود، با تلاش جانشین فرمانده انتظامی استان اصفهان از قتل او گذشت کردند. حادثه درگیری خونین در یکی از محله‌های شهرستان اصفهان سال ۱۳۹۸ اتفاق افتاد. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد پسر ۱۷ ساله، در جریان درگیری با یکی از بستگانش که پسر ۱۸ ساله بود، مجروح شده و به دلیل شدت جراحت جانش را از دست داده‌است. هم‌زمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی متهم ۱۸ ساله تحت تعقیب قرار گرفت و دستگیر شد. متهم در جریان بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت از کاری که کرده پشیمان است. با کامل شدن تحقیقات، پرونده در دادگاه کیفری یک استان بررسی و متهم به حبس محکوم شد. در حالی که متهم در یک قدمی اجرای حکم قرار داشت، با تلاش سردار محمد رضا هاشمی‌فر، جانشین فرمانده انتظامی استان اصفهان و همراهی جمعی از ریش‌سفیدان و بزرگان هر دو طرف تلاش برای رضایت اولیای دم به جریان افتاد. تلاش‌ها در این باره منتهی شد تا اولیای دم از متهم که در حال حاضر ۲۲ ساله‌است، گذشت کنند. با اعلام گذشت، متهم از جنبه عمومی جرم محاکمه می‌شود.

## متهم: سرقت موتورهای لوکس را در فضای مجازی آموزش دیدم

**■ غلامرضا مسکنی**  
 مأموران پلیس آگاهی تهران در آخرین طرح بازداشت مخلان امنیت پنج عضو باند سارقان و مالخران موتورسیکلت‌های گرانقیمت را بازداشت کردند. مالخر که مرد تحصیلکرده‌ای است، ادعا می‌کند عاشق زندگی در امریکاست و هر سال در لاتاری شرکت می‌کند، اما برنده نمی‌شود و به همین دلیل مالخری می‌کند تا با پول سرقتی برای ادامه تحصیل و زندگی به امریکا برود. سارق حرفه‌ای دیگر هم مدعی است سرقت موتور را در فضای مجازی آموزش دیده‌است. چندی قبل مأموران پلیس تهران در جریان سرقت‌های سریالی موتورسیکلت از سوی باند حرفه‌ای فرار گرفتند. بررسی‌ها نشان داد سارقان موتورسیکلت‌های گرانقیمت را از



**عبرت نگر قدم**

بهدار، سارق حرفه‌ای ۲۷ ساله‌ای است که از دوران جوانی وارد جرمه خلافکاران شده‌است. او در گفت‌وگو به خبرنگار ما گفت که تصمیم داشته همراه مادر و خواهرش برای ادامه تحصیل به آلمان برود، اما به خاطر سرقت‌های سریالی‌اش از سوی پلیس ممنوع‌الخروج و در ایران ماندگار می‌شود و به سرقت‌هایش ادامه می‌دهد.

**بهدار چقدر درس خوانده‌ای؟**  
 من دیپلم دارم و قرار بود همراه مادر و خواهرم برای ادامه تحصیل به آلمان بروم. همه مقدمات سفر فراهم شد، اما چند روز مانده به سفر مادرم متوجه شد من ممنوع‌الخروج هستم. مادر و خواهرم به آلمان رفتند و من در ایران ماندگار شدم.

**چرا ممنوع‌الخروج شدی؟**  
 یک سال قبل همراه تعدادی از دوستانم سرقت می‌کردم. به خاطر سرقت‌های سریالی‌ام از سوی پلیس شناسایی شده بودم، اما فراری بودم و پلیس هم مرا ممنوع‌الخروج کرده بود.

**شما که وضع مالی خوبی داشتید، چرا سرقت می‌کردی؟**  
 در رفت و آمد با دوستان ناب‌معتاد به مواد مخدر شدم. واقعتش من توان نگفتن را نداشتم و همین موضوع باعث شد در جمع دوستان برای اینکه کم نیاورم، مواد مصرف کنم. اول سیگار تعارف کردند و کشیدم و کم‌کم به مواد رسید و وقتی به خودم دیدم معتاد شده‌ام.

**پدرت چکاره‌است؟**  
 پدرم هم در دوران جوانی معتاد به مواد مخدر شد و وقتی اعتیادش را ترک نکرد، مادرم او را از خانه بیرون کرد و بعد از آن کارتن خواب شد. متأسفانه همه وقتی بدبختی یکی از نزدیکانشان را می‌بینند، درس عبرت می‌گیرند و راه درشت را انتخاب می‌کنند. اما من پدر کارتن‌خوابم را دیدم، اما باز هم درس عبرت نشد و راه پدرم را ادامه دادم. در صورتی که می‌توانستم الان مثل خواهرم در کشور آلمان تحصیل کنم و برای خودم کسی باشم.

**اولین باری که دستگیر شدی چه سرقت کرده بودی؟**  
 من همراه دوستانم انباری‌های آپارتمان‌ها را خالی می‌کردم، اما وقتی دستگیر شدم، به خاطر سرقت چند

## حجوات

سرویس حوادث ۸۵۳۳۰۶۰

## متهم: سرقت موتورهای لوکس را در فضای مجازی آموزش دیدم



**علی‌ولی پور کوردی رئیس پلیس آگاهی تهران**

پارکینگ خانه‌ها سرقت می‌کنند و به مالخری می‌فروشند. در حالی که هر روز به تعداد شاکیان افزوده می‌شود مأموران چند روز قبل اعضای پنج نفره این باند را بازداشت کردند و صبح دیروز همراه موتورسیکلت‌های کشف شده در محوطه پلیس آگاهی برای خبرنگاران به نمایش گذاشتند. سردار علی ولیپور کوردی، رئیس پلیس آگاهی پایتخت به خبرنگار ما گفت: اعضای این باند پنج نفره موتورهای سرقتی را در فضای مجازی به فروش می‌رسانند که مأموران پس از بازداشت آنها موفق شدند ۴۰ دستگاه موتور سرقتی را از شهرهای اطراف تهران و شمالی کشور کشف و توقیف کنند. وی به شهروندان توصیه کرد: حتما هنگام خرید موتور به ویژه در فضای مجازی با پرداخت هزینه

تخته فرش از انباری فروشگاه فرشی بود. آن زمان در کوچه خیابان‌ها پرسه می‌زدیم که دیدم خودروی باربری چند تخته فرش را به انباری منتقل کرد. شب به آن انباری رفتم و تمامی فرش‌ها را سرقت کردم. بالینکه پلاک خودروییم را مخدوش کرده بودم، اما باز هم پلیس مرا شناسایی کرد و به دام انداخت.

**چرا از زندان عبرت نگرفتی؟**  
 من وقتی از زندان آزاد شدم، تصمیم گرفتم راه راست را انتخاب کنم و به همین دلیل هم ازدواج کردم و الان هم زنم گریه می‌کند که من دور خلاف را خط بکشم، اما فکر می‌کنی کسی به یک مجرم سابقه‌دار که زندان هم رفته و سابقه دزدی هم در پرونده‌اش دارد، کار می‌دهد. من از بی‌پولی دوباره سرقت را شروع کردم.

**چه شد به سرقت موتورسیکلت رو آوردی؟**  
 یک روز از داخل خیابانی عبور می‌کردم، دو پسر جوان درباره سرقت موتورسیکلت با هم صحبت می‌کردند و متوجه شدم پول خوبی دارد. آن روز خیلی فکر کردم و بعد هم تصمیم گرفتم موتورسیکلت سرقت کنم. البته اول با چند نفر از دوستان سابقه‌دار مشورت کردم و آنها هم به مالخری راه به من معرفی کردند و من هم شروع به سرقت کردم.

**درباره نحوه سرقت‌ها توضیح بده؟**  
 من روزها در خیابان‌ها و کوچه‌ها پرسه می‌زدیم و وقتی می‌دیدم موتورسیکلت گرانقیمتی وارد آپارتمان یا خانه ویلایی می‌شود برای سرقت انتخاب می‌کردم. معمولاً نیمه‌های شب یا دم‌دمای صبح که همه خواب بودند، وارد پارکینگ می‌شدم و با دیلم قفل را می‌بردم و موتور را سرقت می‌کردم.

**چطور وارد ساختمان‌ها می‌شدی و چطور موتورها را روشن می‌کردی؟**  
 معمولاً برای ورود به ساختمان دسته کلید داشتم و همیشه هم یکی از کلیدهایم درها را باز می‌کرد و برای روشن کردن موتور هم حدود ۳۰ ثانیه زمان می‌برد. دو سیم ریز کلید یا استارت موتور را به هم می‌چسباندیم و سرقت می‌کردم. من حتی جی‌پی‌اس موتورها را هم از کار می‌انداختم.

**آموزش دیدی؟**  
 آموزش همه اینها در فضای مجازی است و من هم در فضای مجازی آموزش دیدم.

**چه تعدادی موتور سرقت کردی؟**  
 فکر کنم در این مدت حدود ۴۰ موتورسیکلت.

**چقدر می‌فروختی؟**  
 بستگی به مدل موتور داشت، اما معمولاً از ۱۰ تا ۲۰ میلیون به مالخر می‌فروختم.

**پس پول خوبی هم می‌گرت می‌آمد و به همین خاطر هم تصمیم گرفتی موتور سرقت کنی.**  
 پولش خوب بود، اما باور کنید برکت نداشت. من الان یک میلیون تومان هم پس‌انداز ندارم. هر چه پول گیرم می‌آمد مثل باز دستم می‌رفت.

**چطور بازداشت شدی؟**  
 مالخر من ممالی بود و وقتی فهمیدم مأموران پلیس در تعقیب من هستند، به شمال فرار کردم و در آپارتمان اجاره‌ای مخفی شده بودم که ناگهان مأموران روی سرم خراب شدند. البته از بالکن فرار کردم، اما به پایین سقوط کردم و مگرم آسیب دید و دستگیر شدم.

**اما برنده نمی‌شوی، اما برنده نمی‌شوی، اما برنده نمی‌شوی.**  
 به جرم خرید و فروش موتورسیکلت دستگیر شدم. سابقه داری؟  
 بله، سابقه دارم. البته خرید و فروش موتورسیکلت نبود. اولین بار ۲۵ ساله بودم و تازه از دانشگاه فراغ‌التحصیل شده بودم که شروع به سرقت کردم و بعد هم بازداشت شدم و هشت سال به زندان افتادم.

**چه رشته‌ای درس خواندی؟**  
 من مدرک مهندسی الکترونیک دارم.

**چرا فرد تحصیلکرده‌ای باید سارق شود؟**  
 من از اول عاشق امریکا بودم و می‌خواستم هر طوری شده به امریکا مهاجرت کنم و ادامه تحصیل دهم و در آنجا زندگی کنم. از همان زمان لاتاری شرکت می‌کردم، اما هیچ وقت برنده نشدم. به همین دلیل نیاز به پول داشتم که چند نفر از بیچه‌های محلمان پیشنهاد دادند، سرقت کنم و من هم فریب خوردم و شروع به سرقت کردم.

**چرا فریب خوردی؟**  
 خوب الان نه موفق شدم به امریکا بروم و در آنجا زندگی کنم و نه در ایران زندگی خوبی دارم. فقط سرقت برای من عادت شده‌است.

**چه شد که سرقت را کنار گذاشتی و مالخر شدی؟**  
 واقعتش از سرقت خسته شده بودم و ریسکش بالا بود. وقتی با یک سفارش سارقان هر موتور و ماشین را بخواهی یک ساعته در خانه‌ات پارک می‌کنند، چرا باید خودت سرقت کنی. از طرفی هم پول خوبی از فروش موتورهای سرقتی گیرم می‌آمد.

**ماهی چقدر درآمد داشتی؟**  
 بستگی به فصل و نوع موتورسیکلت دارد. در فصل پاییز و زمستان بازارمان گسادیست و خریدار کم است، اما در فصل بهار و تابستان مشتری زیادی داریم و در آمدنم خوب است. مثلاً موتور سیکلت ۴۰۰ میلیون تومانی را به ۲۰ میلیون تومان از سارق می‌خریم و به ۴۰ میلیون هم می‌فروشیم.

**از چه زمانی شروع به مالخری کردی؟**  
 تازه شروع کرده بودم. از هم‌راه امسال موتور سرقتی می‌خرم و می‌فروشم.

**مشتریان چه کسانی هستند؟**  
 معمولاً موتورهای سرقتی تهران را در شهرهای شمالی می‌فروختم.

**هنوز هم به فکر مهاجرت به امریکا هستی؟**  
 بله، گفتم هر سال لاتاری شرکت می‌کنم، به امید اینکه برنده شوم، اما خودم فکر می‌کنم شناسی ندارم.



## مرگ بانوی ملی پوش در بی احتیاطی راننده

ملیکا محمدی، ملی‌پوش فوتبال بانوان در حادثه رانندگی جان خود را از دست داد. باامداد روز گذشته مأموران پلیس راهور و امدادگران شهرستان بم از حادثه رانندگی در ۵ کیلومتری شهر باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد خودروی سواری تیبیا بعد از انحراف از مسیر اصلی واژگون شده است. بررسی‌های بیشتر نشان داد یکی از سرنشینان خودرو به نام ملیکا محمدی، ۳۳ ساله که عضو تیم ملی بانوان بود به دلیل شدت جراحت جانش را از دست داده است. همچنین معلوم شد دو دختر دیگر به نام‌های بهناز طاهرخانی ۲۸ ساله و زهرا خواجویی ۲۴ ساله مجروح شده‌اند. راننده خودرو هم که مردی جوان بود دچار جراحت شده بود که هر سه مجروح حادثه راهی بیمارستان پاستور بم شدند. ملیکا محمدی، بهناز طاهرخانی و زهرا خواجویی، عضو تیم خاتون بم بودند که دچار حادثه شدند. سروان نعیم مقلعی، رئیس پلیس راه بم علت حادثه را بی‌توجهی به جلو، خستگی و خواب‌الودگی راننده و سرعت غیرمجاز اعلام کرد. سروان مقلعی گفت: محلی که حادثه در آن اتفاق افتاده، منطقه مسکونی و از نقاط حادثه‌خیز است که در حال احداث یک میدان به صورت بیضی شکل هستیم. ملیکا محمدی، بازیکن تیم ملی بانوان و بازیکن تیم فوتبال خاتون بود که دوران کودکی و نوجوانی‌اش را به همراه خانواده در امریکا سپری کرد. او فوتبالی‌اش را در آن کشور شروع کرد تا اینکه در سن ۱۵ سالگی به تیم ملی دعوت شد و برای تیم‌های سپاهان و خاتون بم بازی کرد.

## فرار پسی از قتل پدر خوانده

**■ آرمن بینا**  
 واز او تحقیق کردند. وی در توضیح حادثه به مأموران گفت: «رحمت شش سال قبل همسر اولش را طلاق داد و مرا به عقد خودش درآورد. از آن زمان به بعد من به پسرم همراه قاتل و تحت تعقیب قرار دادم. باامداد روز شنبه دوم دی‌ماه، مأموران پلیس تهران از مرگ مشکوک مرد ساخورده‌ای در یکی از بیمارستان‌ها باخبر و راهی محل شدند. کارآگاهان جنایی در بیمارستان با جسد خونین مرد ۲۲ ساله‌ای به نام رحمت روبه‌رو شدند که با چند ضربه چاقو به قتل رسیده بود. رحمت مدام به او گیر می‌داد. همسر دوم و فرزندخوانده ۳۲ ساله‌اش به نام ستار در آپارتمانی مسکونی در منطقه خاورشهر زندگی می‌کرده که در درگیری با ستار به قتل رسیده است. همچنین مشخص شد ستار در این حادثه، مادرش را هم زخمی کرده و او در بیمارستان تحت درمان قرار دارد. حادثه، متهم را کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به سراغ زن زخمی رفتند

**امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان**  
 ۸۸۴۹۸۴۷۵

**مفقودی**  
 سند مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۱ به شماره موتور ۲۲۸۲۸۱۱۱۲۷۱ و شماره شاسی ۸۱۸۱۰۸۴۶ با شماره انتظامی ۵۸۵ و ویژه ۱۲ ایران ۶۸ بنام عادل هاشم زاده اخباری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. **اسلامشهر**

**مفقودی**  
 سند مالکیت خودرو، شناسنامه (برگ سبز)، بیمه نامه شخص ثالث، برگه‌های پرداخت عوارض و مالیات و کالت نامه‌های مربوطه خودرو سواری استیشن لندرو مدل ۱۳۵۸ به رنگ سبز روشن و شماره موتور ۹۰۲۹۰۴۵۴E و شماره شاسی ۹۲۵۴۸۷۲۵ با شماره انتظامی ایران ۹۸-۹۸۴۴۳-۶۲ بنام عبدالکریم رستمی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. **ایلام**

## گذشت از پدر خطاکار

جسد، آن را در سطل‌های زباله انداختم تا اینکه بازداشت شدم. با کامل شدن تحقیقات، باز پرس پیرمرد را به اتهام قتل عمد مجرم شناخت و پرونده برای بررسی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. ابتدای جلسه خواهر مقتول گفت که از پدرش اعلام گذشت دارد و شکایتی ندارد. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت از کاری که کرده پشیمان است و قصد قتل نداشته است. او گفت: وقتی پسرم از استرالیا برگشت، حال روحی خوبی نداشت، او پرخشگری می‌کرد و برای ما و دیگران دردسر درست می‌کرد. من بارها با او حرف زدم و سعی کردم به پسرم کمک کنم. روز حادثه هم بر پسر همین موضوع با هم مشاجره کردیم که کنترل‌م را از دست دادم و حادثه اتفاق افتاد. هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم و وکیل او وارد شور شد.

۴۰ ساله به نام ناصر است. در شاخه دیگری از بررسی‌ها، خانواده ناصر شناسایی شدند و معلوم شد که آنها کم شدن پسرشان را به پلیس خبر نداده بودند. همچنین معلوم شد ناصر تحصیلات مهندسی‌اش را در استرالیا سپری کرده و مدتی قبل به ایران برگشته بود. مادر او وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، گفت: من به تازگی به ایران آمده‌ام. وقتی سراغ پسرمان را از شوهرم گرفتم، گفت که او برای انجام کاری به خارج از کشور رفته است. از آنجا که احتمال می‌رفت ناصر در جریان یک توطئه خانوادگی به کام مرگ رفته باشد، بررسی‌ها در این باره ادامه پیدا کرد. پدر ناصر وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، گفت از حادثه خبر ندارد و نمی‌داند چه کسی پسرش را به قتل رسانده است. او گفت: پسرمان برای رفتن به مسافرت خارج خانه را ترک کرد تا اینکه خبر رسید

مرد سالخورده که به اتهام قتل پسرش در بازداشت به سر می‌برد در جلسه رسیدگی به پرونده، حادثه را شرح داد. دختر متهم به دادگاه گفت که از پدرش شکایتی ندارد و به عنوان یکی از ولی‌دم از او اعلام گذشت کرد. ۱۲ مردامه امسال بود که کشف بخشی از اعضای متله شده بدن یک انسان در یکی از سطل‌های زباله شهرقدس به پلیس گزارش شد. هم‌زمان با انتقال بقایای جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات برای شناسایی هویت آن به جریان افتاد. درحالی که تحقیقات پلیس تهران در این باره جریان داشت، این‌بار بقایای اعضای بدن یک انسان در یکی از سطل‌های زباله شهرستان شهریار به پلیس گزارش شد. هم‌زمان با انتقال این اعضا به پزشکی قانونی، تحقیقات در این باره ادامه پیدا کرد. بررسی‌های بعدی روشن کرد که اعضای کشف شده متعلق به جسد مردی